**زبان عربی**

**و**

**هویت ایرانی**

مؤلف

**دکتر عیسی متقی زاده**

عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس

استاد رشته زبان و ادبیات عربی

ویراستار صوری: سیاوش صفری

صفحه آرا: جابر شیخ محمدی

**زمستان 1399**

تقدیم به:

استاد فرزانه فقید، دکتر صادق آینه وند

که استاد اخلاق و فضیلت بود

# فهرست

مقدمه 13

1. زبان و توسعهٔ فرهنگی

مقدمه 17

مبانی نظری 18

1. 1 چیستی زبان 18

1. 2 كاركرد‌های اجتماعی و فرهنگی زبان 21

1. 3 تأثیر متقابل زبان و فرهنگ 24

1. 4 زبان و بازیابی هویت فرهنگی 25

1. 5 زبان و هویت فرهنگی قوم 26

1. 6 نقش عوامل سیاسی در زبان 26

1. 7 توسعهٔ فرهنگی 29

1. 8 همبستگی زبان و اجتماع 31

1. 9 شاخص‌های توسعهٔ فرهنگی 31

2. جایگاه زبان عربی در سطح جهانی

مقدمه 34

2. 1 تفکیک بین عرب اول و عرب دوم 36

2. 2 اعراب در آینهٔ قرآن 37

2. 3 اعراب مسلم 38

2. 4 زبان عربی 39

2. 5 منشأ زبان عربی 39

2. 6 زبان‌های سامی و اتصال آن‌ها به عربی فصیح 39

2. 7 مروری بر تاریخ زبان عربی 41

2. 8 عربی کلاسیک 42

2. 9 عربی امروزی 44

2. 10 دوره‌های تاریخی ادبیات عربی 45

2. 11 اهمیت زبان عربی در روایات 46

2. 12 قرآن کریم و تاریخ ادبیات عربی 48

2. 13 نتیجه 49

2. 14 تأثیر قرآن بر اعراب 49

2. 15 نتیجه 53

2. 16 زبان عربی یکی از ده زبان برتر دنیا 54

2. 17 توزیع جغرافیایی زبان عربی 54

2. 18 پراکندگی جغرافیایی عرب‌زبانان 55

2. 19 فراوانی آثار علمی به زبان عربی 56

2. 20 جایگاه رشتهٔ زبان عربی در ایران 57

2. 21 تأثیر زبان عربی بر سایر زبان‌ها 58

2. 22 معرفی مرکز مهم آموزشی ادبیات عربی 62

2. 23 نظر مستشرقان در خصوص نسبت مسلمانان و اعراب با فلسفه و تعقل 64

2. 24 نظر مستشرقان منصف 65

3. جایگاه رشتهٔ زبان عربی در سطح منطقه

3. 1 جایگاه زبان عربی در منطقه 67

3. 2 محدودهٔ جغرافیایی خاورمیانه 68

3. 3 اهمیت و موقعیت استراتژیک خاورمیانه 69

3. 4 اهمیت استراتژیک و نظامی 71

3. 5 نیاز ایران به روابط با اعراب 72

3. 6 عوامل تأثیرگذار بر روابط ایران و اعراب 74

3. 7 خاورمیانه از منظر منافع ملی ایران 76

3. 8 فرازونشیب روابط ایران با کشورهای منطقهٔ خاورمیانه 77

3. 9 روابط ایران و عربستان 81

3. 10 روابط ایران با سایر كشورهای منطقهٔ خاورمیانه 82

3. 11 راه‌کارهای پیشِ روی ج. ا. ایران و مصر برای گسترش روابط 84

3. 12 زبان دوم کشورهای اسلامی 85

4. مؤلفه‌های‌ تأثیرگذار بر ضرورت گسترش زبان عربی در ایران اسلامی

مقدمه 87

4. 1 گسترهٔ زبان عربی و قلمروِ آن 88

4. 2 اهمیت گسترش زبان عربی 89

4. 3 ایران و زبان عربی 90

4. 4 بهرهٔ زبان عربی از ایرانی‌ها 91

4. 5 سیر زبان عربی در ایران 93

4. 6 کاربرد دانش‌های زبان عربی 94

4. 7 عوامل اثرگذاری زبان عربی 100

4. 8 نقش زبان عربی و جایگاه آن در پایداری و توسعهٔ فرهنگ دینی و عمومی کشور 101

4. 9 جایگاه زبان عربی در نظام جمهوری اسلامی ایران 101

4. 10 علوم انسانی، دین و زبان عربی 102

4. 11 سهم زبان عربی در پذیرش مسائل فرهنگی، دینی وعلوم انسانی 103

4. 12 ویژگی زبان عربی 104

4. 13 سرمایهٔ راکد 106

4. 14 نتیجه‌گیری این بخش 107

5. كاركرد استحكام‌بخشی هویت فرهنگ اسلامی و ایرانی از قِبل گسترش زبان عربی در ایران

5. 1 تأکید اسلام به کسب معرفت دینی 108

5. 2 تقویت زبان فارسی به عنوان زبان ملی و زبان دوم جهان اسلام 109

5. 3 زبان دین 111

5. 4 تئورى‌هاى زبان دین 112

5. 5 نقد و بررسى 113

5. 6 زبان دین، زبان فطرت و هدایت 113

5. 7 دلیل عربی‌بودن قرآن 116

5. 8 تأثیر زبان در فرهنگ اسلام 117

5. 9 نقش زبان عربی در انتقال مفاهیم دینی 118

5. 10 اصول آموزش مفاهیم دینی به کودکان 119

5. 11 نقش رسانه در انتقال مفاهیم دینی 125

6. تعامل دوجانبهٔ زبان عربی و فارسی و توسعهٔ فرهنگی

مقدمه 129

6. 1 بررسی تأثیرپذیری اعراب از پارسیان 130

6. 2 قصرها و ساختمان‌های مختلف حیره 132

6. 3 نشانه‌های تأثیر اجتماعی و فرهنگی تجاری 132

6. 4 فرهنگ و هنر 133

6. 5 نفوذ ایران در جزیرةالعرب از راه دین 135

6. 6 شهریاران حیره و رابطهٔ آن با ایران 136

6. 7 یمن 137

6. 8 رابطهٔ دوسویهٔ زبان فارسی \_ زبان عربی 137

6. 9 تأثیر زبان عربی در فارسی 141

6. 10 توسعهٔ فرهنگی چیست؟ 144

6. 11 سطوح فرهنگ جوامع از نظر تحقق و عمق 146

6. 12 ضرورت ارتباط آگاهانه با فرهنگ‌های دیگر 147

7. راهکارهایی برای توسعهٔ فرهنگی ایران از طریق تعامل با زبان عربی

7. 1 نقش ایرانی‌ها در تقویت و تبلیغ زبان عربی 149

7. 2 احیای تمدن اسلامی 153

7. 3 تشخیص موانع و انحرافات عارض بر جامعهٔ دینی 156

7. 4 ضرورت جنبش نرم‌افزاری برای احیای تمدن اسلامی 158

8. وضع موجود زبان عربی در ایران، با توجه به شاخص تولیدات

مقدمه 161

8. 1 مروری بر تحقیقات گذشته 163

8. 2 روش‌شناسی و طرح پژوهش 166

8. 3 چیستی تولید علم 167

8. 4 پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی 171

8. 5 شاخص تأثیر 172

8. 6 ضریب آنی 172

8. 7 تجزیه‌وتحلیل داده‌ها 172

8. 8 تعداد کل مقاله‌های منتشرشده در زمینهٔ زبان و ادبیات عربی در ایران 174

8. 9 تعداد کل مجلات منتشرشده در زمینهٔ زبان و ادبیات عربی در ایران 176

8. 10 عوامل تأثیرگذار در ضریب تأثیر مجله 182

8. 11 مراکز فعال در تولید مقالات مجلات حوزهٔ زبان و ادبیات عربی 187

8. 12 بررسی پایان‌نامه‌ها، طرح‌های پژوهشی و گزارش‌های دولتی 189

8. 13 سهم دانشگاه‌های کشور در تولید پایان‌نامه‌های حوزهٔ زبان و ادبیات عربی 190

8. 14 بررسی طرح‌های پژوهشی 192

8. 15 نتیجه‌گیری 193

9. وضع موجود زبان عربی در ایران با توجه به شاخص‌های آموزش

9. 1 مبانی نظری 196

9. 2 ضرورت ارزشیابی آموزش عالی 196

9. 3 تعاریف ارزیابی 197

9. 4 ارزیابی کارکنان 198

9. 5 سوابق و زمینهٔ پژوهش 199

9. 6 روش‌شناسی و طرح تحقیق 200

9. 7 گروه‌های آموزشی زبان و ادبیات عربی در کشور 201

10. راهكارهای تحكیم هویت ایرانی اسلامی با بهره‌برداری از قابلیت‌های زبان عربی

10. 1 ابعاد هویت ملی 203

10. 2 هویت فرهنگی 204

10. 3 بحران هویت 205

10. 4 هویت ملی 206

10. 5 هویت ایرانی 207

10. 6 مؤلفه‌های هویت ایرانی 208

10. 7 قابلیت‌های زبان عربی و کمک به توسعهٔ هویت ایرانی‌اسلامی 211

10. 8 دورهٔ فرهنگی اسلامی 215

دیدگاه پاسخ‌دهندگان به سؤال باز پرسش‌نامه 231

10. 9 راهكارهای دستیابی به اهداف 235

10. 10 کمیت و کیفیت رشد (تولید آثار باکیفیت) 237

10. 11 ایجاد بازار کار برای فارغ‌التحصیلان این حوزه در داخل کشور 237

10. 12 افزایش کنفرانس‌های داخلی در زمینهٔ هویت ایرانی‌اسلامی و نقش زبان عربی در آن 238

10. 13 ایجاد کارگاه‌هایی برای آشنایی عموم با تعامل زبان عربی و فارسی در قالب برنامه‌های کتابخانه‌های عمومی 238

10. 14 ایجاد واحد درسی با عنوان هویت ایرانی‌اسلامی و نقش قرآن در آن 239

10. 15 برنامه‌های انس با قرآن در مدارس 240

10. 16 توجه رسانه به سبک زندگی ایرانی‌اسلامی 241

10. 17 ترویج و آموزش سبک زندگی ایرانی‌اسلامی 242

10. 18 ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای در بررسی سبک زندگی 242

11. نقش مدارس، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها در گسترش زبان عربی در ایران

11. 1 هدف از آموزش زبان عربی در ایران 243

11. 2 نقش آموزش و پرورش 246

11. 3 آموزش عربی در دبستان 249

11. 4 آموزش عربی در دورهٔ راهنمایی 249

11. 5 آموزش عربی در دبیرستان 251

11. 6 جایگاه پژوهش در آموزش و پرورش 253

11. 7 نقش مدارس در نهادینه‌کردن فرهنگ پژوهش در حوزهٔ زبان عربی 253

11. 8 پیشنهادهای کارآمد 255

11. 9 نقش دانشگاه‌ها در گسترش زبان عربی 257

11. 10 آموزش عالی و زبان عربی 260

11. 11 ایجاد بانک‌های اطلاعاتی متخصصان 262

11. 12 پرداخت حق اشتراک پایگاه‌های اطلاعاتی 264

11. 13 تجهیز کتابخانه‌ها به منابع عربی زبان 265

11. 14 برگزاری کنفرانس‌ها 266

11. 15 تبادل دانشجو 266

11. 16 نقش پژوهشگاه‌ها در ترویج زبان عربی 267

11. 17 پیشنهادها 269

ضمیمه 273

منابع 277

# مقدمه

موضوع تأثیر و کارکرد رشتهٔ زبان و ادبیات عربی در تحکیم هویت فرهنگ اسلامی و ایرانی موضوعی بسیار مهم و اساسی است و نیازمند بحث و بررسی و پژوهش بنیادی است. زبان عربی از آغاز حضورش در ایران حضوری خاص و ویژه دارد. وقتی که ایرانی‌ها با شوروشوق و رغبت به آیین جدید روی آوردند، به زبان عربی به مثابهٔ زبان دین جدید توجهی کم‌نظیر کردند و برای گسترش مرزهای دانش زبانی از هیچ تلاشی فرونگذاردند و بعد از مدتی که زبا ن عربی زبان علم آن روزگار شد، آثار علمی خود را به زبان عربی نگاشتند تا همهٔ کسانی که دل در گروِ این دین آزادی‌بخش دارند از محتوای علمی این آثار بهره گیرند. توجه به زبان عربی سبب شد اوج تأثیر و تأثر زبانی را بین دو زبان فارسی و عربی شاهد باشیم.

زبان عربی بخشی از هویت ملی و دینی ایرانی‌هاست و در شناساندن فرهنگ ایران به جهانیان به مثابهٔ قومی متفکر، عمیق، خوش‏ذوق، دانشمند و دانش‏دوست نقش بسزایی داشته است. ایرانی‌ها در جهانی‌کردن زبان عربی، که زبان اسلام و قرآن است، نقش و سهم بی‏نظیری داشته‌اند؛ بنابراین ارج‌نهادن به این خدمات متقابل بین اسلام و ایران وظیفۀ همهٔ دست‏اندرکاران، دانشمندان و دانش‏دوستان است. در درازای بیش از چهارده قرن حضور اسلام در ایران و نزدیک به دوازده قرن تعامل زبان فارسی با عربی در شکل‌دهی به فرهنگ ایران، بخش عظیمی از ادبیات فارسی متأثر از فرهنگ و اندیشۀ اسلامی و زبان و ادبیات آن شده است، به ‏گونه‌ای که درک متون ادبی فارسی بدون مراجعه به امهات کتاب‏‎های نوشته‌شده به زبان عربی و حل مشکلات آن ناقص و در برخی موارد ناممکن خواهد بود.

*زبان قرآن و به تبعِ آن زبان عربی زبان نخست دنیای اسلام است. پس از ورود دین مبین اسلام به ایران و پذیرش این دین نجات‎بخش از سوی مردم، تأثیر همه‎جانبۀ آن در تمام شئون فرهنگی و اجتماعی ایرانی‌ها آغازیدن گرفت. تأثیر این زبان در زبان فارسی در لایۀ واژگانی با دامنۀ گسترده و بعضاً نحوی با دامنۀ محدود باقی نماند، بلکه در لایه‎های دیگر زندگی معنوی ایرانی‌ها نیز نمودار گشت. بی‌تردید فهم بخش عظیمی از میراث به‎جامانده از این تأثیر و تأثر، که در ادبیات غنی فارسی به یادگار مانده، موقوف به دانستن ریشه‎های اصلی آن است که در قرآن کریم، احادیث نبوی و گفتار ائمۀ معصوم پراکنده است. بخش دیگری از اثرپذیری زبان و فرهنگ ایرانی‌ها در مواجه با میراث منظوم و منثور به زبان عربی است که یا ایرانی‌ها آن‌ها را نگاشته‌اند یا ایرانی‌ها در آثار خود از میراث عرب‌های مسلمان سود جسته‎اند.*

در این تحقیق تلاش شده کارکردهای زبان عربی در شکل‌دهی هویت فرهنگی اسلامی‌ایرانی بررسی شود. از آنجا که در این حوزه تاکنون پژوهش مستقلی انجام نگرفته است، مؤلف امیدوار است این اثر پژوهشی زیرساخت‌های مقدماتی این مسئلهٔ مهم را فراهم کرده باشد.

بر خود لازم می‌دانم از همکاری‌های بی‌دریغ دوست دانشمندم، آقای دکتر حسن زاده عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس، در فرایند شکل‌گیری این اثر تقدیر و تشکر کنم.

شکل‌گیری اولیهٔ این طرح مدیون استاد فقید، دکتر صادق آینه‌وند، است که همیشه به مقوله‌های فرهنگی عنایت ویژه داشت و همکاری صمیمانهٔ دکتر قبادی، ریاست محترم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، و جناب آقای دکتر رفیعی، رئیس انتشارات، در سامان‌یافتن این اثر قابل‌تحسین است.

عیسی متقی‌زاده

عضو هیئت‌ علمی دانشگاه تربیت مدرس

استاد رشتهٔ زبان و ادبیات عربی

# 1. زبان و توسعهٔ فرهنگی

## مقدمه

زبان وسیلهٔ تفهیم و تفاهم بین افراد و درعین‌حال در روابط علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی میان کشورها و ملت‌های مختلف ایفاگر نقش اساسی است (راجی، 1394). زبان به‌نوعی ابزاری برای كنش متقابل اجتماعی و مبادلهٔ اجتماعی است كه افراد با یكدیگر برای حفظ میراث فرهنگی جامعهٔ خود از طریق ثبت و ضبط زبان گفتاری و نوشتاری به آن توجه كرده‌اند. این پدیده به منزلهٔ وسیلهٔ برقراری ارتباط اجتماعی توانسته گذشته و حال و آیندهٔ انسانی را از طریق انباشت دانش و اشاعهٔ علم، با توجه به خصلت گفتاری و نوشتاری، توسعه و گسترش دهد. گستردگی زبان انسانی موجب خلاقیت، ابتكار و آزادبودن آن از نظام زبان حیوانی می‌گردد. براساس چنین ویژگی‌ای، جوامع به بازسازی هویت فرهنگی زبان خویش پرداخته وآن را در طی سالیان سال تولید و تكامل بخشیده‌اند. با توجه به تأثیر و تأثر متقابل زبان و فرهنگ از یكدیگر، ساخت واژگان زبانی در مقوله‌های مادی و معنوی فرهنگ جامعه تحول یافته است. چنین تحولی اهمیت زبان را به مثابهٔ عنصری مهم در شكل‌گیری هویت فرهنگی قوم، كه همراه با انسجام و یگانگی است، بیان می‌كند. در برخی از مواقع با تأكید بر وحدت زبانی، به تخریب زبان قومی دیگر ملت‌ها هم در سطح جهان پرداخته شده كه به‌نوعی زبان‌كُشی قومی نامیده می‌شود (شربتیان، 1389). هر جامعه‌ای فرهنگی خاص دارد. بین رشد و شکوفایی فرهنگ و زبان وابستگی متقابل وجود دارد. زبان نظامی اجتماعی است که نسل‌های گذشته و حال آن را ساخته و پرداخته و به ما منتقل کرده‌اند. بین رشد و شکوفایی فرهنگ و زبان وابستگی متقابل و همبستگی کامل وجود دارد؛ لذا هر جا که زبان متوقف مانده، رشد فرهنگی نیز توقف یافته است. وابستگی رشد فرهنگی به رشد زبان دو جنبهٔ درونی و بیرونی دارد. در جنبهٔ درونی هوش، اندیشه، حافظه، میدان تداعی معانی و مفاهیم ذهنی وابستگی کامل به زبان دارد و در جنبهٔ بیرونی تفاهم میان هم‌زبانان، رابطه بین نسل‌های گذشته، حال و آینده به خاطر میراث فرهنگی و برقراری ارتباط جوامع بازتاب‌های متفاوت به کمک ترجمه به زبان بستگی دارد (صاحب‌الزمانی، بی‌تا). با مقدمه‌ای که ذکر شد، هدف این فصل بررسی نقش و جایگاه زبان به منزلهٔ عنصری ارتباطی در هزارهٔ سوم در توسعهٔ فرهنگی کشورهاست.

## مبانی نظری

### 1. 1 چیستی زبان

موضوع چیستی زبان از پیچیده‌ترین مسائل مورد بحث در حوزهٔ اندیشه است. این دشواری و پیچید‌گی زمانی درک می‌شود که چشم‌اندازهای متعدد و نگره‌های متفاوت را دربارهٔ زبان و چیستی آن مطالعه کنیم.

ارائهٔ تعریف گسترده و فراگیر از ماهیت و چیستی زبان \_\_ با توجه به نگره‌های گوناگون فلسفی و علمی موجود در این مورد \_\_ کاری است دشوار. اگر به گونهٔ نسبی بسنجیم، بیشتر از هزار نگره و تعریف متفاوت و مشابه دربارهٔ چیستی زبان وجود دارد که هر یک با توجه به نوع نگاه خود به مسئله، تعریف، توجیه، تفسیر و تأویلی از زبان ارائه کرده‌اند. در زیر به طور مختصر به شرح و بیان تعاریف زبان می‌پردازیم.

هر نوع تجلی حیات ذهنی انسان را می‌توان به مثابهٔ گونه‌ای زبان پنداشت و این پنداشت از حیث نوع یک روش حقیقی همه‌جا موجد طرح پرسش‌های جدید است. می‌توان از زبان موسیقی یا هنرهای تجسمی سخن گفت یا از زبان حقوق که مستقیماً هیچ ارتباطی با آن دسته زبان‌هایی که اصطلاحات حقوق انگلیسی یا المانی در آن‌ها مضبوط است ندارد. یا از زبان تکنیک که زبان تخصصی یک مهندس نیست. زبان در چنین بسترهای ارتباطی به معنای اصلی است که معطوف به پیام‌رسانی مضامین ذهنی در موضوع‌های مربوطه است در تکنیک، حقوق، هنر و دین؛ به عبارتی کوتاه هر نوع پیام‌رسانی مضامین ذهنی زبان است که از این رهگذر پیام‌رسانی از طریق کلمات صرفاً موردی خاص است که موردی انسانی است و موارد دیگر بر آن بنا شده‌اند. اما گستردگی هستی زبان منحصراً در انواع حیطه‌های تجلیات ذهنی انسان نیست؛ تجلیاتی که به یک معنا مسکون زبان هستند. بلکه اصولاً وسعتش همه‌چیز را فرا‌می‌گیرد. هیچ رخداد یا شیئی در طبیعت نیست که به گونه‌ای سهمی در زبان نداشته باشد (والتر، 1391). زبان مجموعه‌ای یا بهتر بگوییم دستگاهی از نشانه‌هاست. نشانه چیست؟ هر چیزی که نمایندهٔ چیزی دیگری جز خودش باشد (سارتر، 1947). در منطق قدیم نیز نشانه بودن شیئی است به وجهی که علم به آن حاصل آید؛ علم به شیئی دیگر. مثلاً دلالت جای پا بر رونده و دلالت لفظ دیوار بر معنای دیوار (همان، 30). ژان پل سارتر، برعکسِ نگره‌ای که در بالا آورده شد، هرگونه اختلافی میان واژه و مصداق لفظی آن را رد می‌کند و معنای کلمه را همان شیء خارجی می‌داند. یکی از موارد اختلاف‌نظر اخیر سارتر با زبان‌شناسان و طرف‌داران «نقد نو» و پیروان شیوۀ معروف به «استروکتورالیسم» در همین جاست (همان، 31).

تأکید سارتر بر معنای کلمهٔ مساوی به همان شیء است؛ یعنی اینکه معنای شیء در ذات آن است و هیچ‌گونه جدایی میان معنای واژه و فرایند مصداقی آن نیست. البته این نگره هم برخلاف قاطعیت سارتر، حکم مطلق‌بودن را ندارد و هنوز هم دربارهٔ رد و یا پذیرش آن نگره‌های گوناگون وجود دارد. از آنجا که سارتر ادبیات را «رسیدن به غایتی که بیرون از آن است» می‌داند، زبان را وسیلهٔ رسیدن به همان غایت می‌داند (یعنی اینجا برخورد ابزاری با زبان می‌کند)، ولی برعکس زبان را در شعر ابزار (وسیله) نمی‌داند و آن را هدف می‌داند. غایت مطلوب شعر «حرکت» است، نه «نیل به مقصد» و زبان برای آن «هدف» است، نه وسیله (همان، 32).

یکی از اصولی‌ترین مسائل دورهٔ مسائل مرتبط با دورهٔ اول ویتگنشتاین، که با کتاب *رسالهٔ* *منطقی* (*تراکتاتوس*) شناخته می‌شود، تعیین حدومرز زبان است. به دنبال این مسئله موضع وی دربارهٔ بسیاری از گزاره‌های دینی مشخص می‌شود. در این کتاب ویتگنشتاین قایل به یک زبان بود، زیرا مطابق آن رساله زبان عبارت بود از گزاره‌های بدوی و توابع صدق گزاره‌های بدوی. گزاره‌های بدوی تصویری از وضعیت عالم خارج، امر واقع، وضعیتی از چیزها و اعیان است. براساس *تراکتاتوس*، یک زبان بیشتر وجود ندارد و زبان یک ماهیت اساسی دارد (شقاقی، 1386). جامعه‌شناسان تصریح می‌کنند که یکی از ویژگی‌های خاص انسان توانایی و مهارت او در برقراری ارتباط با دیگران به عالی‌ترین و پیچیده‌ترین وجه است. استعداد بسیار تکامل‌یافتهٔ انسان در برقراری ارتباطات نمادی اکتساب فرهنگ را آسان و انتقال فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر ممکن می‌کند. جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان هر دو بر این عقیده‌اند که چنانچه انسان استعداد و مهارت وسیع‌ فراگیری زبان و برقراری ارتباط با دیگران را نداشت، نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. ارتباط نمادی آدمیان به سه شیوهٔ اساسی صورت می‌گیرد. شیوهٔ نخست زبان گفتاری است که عبارت است از الگوهای صوتی و معانی پیوسته به آن. زبان گفتاری آموزش و ارتباطات را آسان می‌کند. دومین شیوهٔ ارتباط زبان نوشتاری است که عبارت است از ثبت تصاویری از گفتار. زبان نوشتاری آموزش حفظ و میراث فرهنگی را تسهیل می‌کند. سومین روش زبان جسمانی است که از ادب عامیانه گرفته شده است و به معنای برقراری ارتباط با حرکات دست و صورت و به طور کلی با ایماواشاره است. محور بحث ما بر زبان گفتاری است. «زبان یک محصول اجتماعی و فرهنگی است (گرانپایه، 1377: 110)؛ لذا یكی از پدیده‌های خاص زندگی اجتماعی انسان است و چنان در تاروپود زندگی روزانهٔ ما تنیده شده كه همچون خواب وخوراک بسیار بدیهی جلوه می‌کند. برای درک اهمیت زبان كافی است تصور كنیم كه زبان از جامعهٔ انسانی گرفته شود. به‌خوبی می‌توان در چنین تصوری دریافت كه تمدن و فرهنگ بشر نابود می‌گردد. زبان پدیده‌ای است بااهمیت، درخور توجه بسیار و نیازمند بررسی از جنبه‌های گوناگون.» (همان جا) زبان در علوم انسانی بالاخص در علوم اجتماعی به صورت ابزاری تكنیكی، اجتماعی و فرهنگی برای دست‌یافتن به دانش فرهنگی نقش ویژه‌ای دارد. این پدیدهٔ اجتماعی در مباحث اجتماعی‌شدن و فرهنگ‌پذیری اهمیت بارزی دارد.

### 1. 2 كاركرد‌های اجتماعی و فرهنگی زبان

#### 1. 2. 1 زبان و مبادلهٔ اجتماعی

زبان نوعی ابزار مبادلهٔ اجتماعی است كه افراد تجربیات، اندوخته‌ها، افكار، اندیشه‌ها، عادت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی خود را به صورت خُرد (كنش متقابل) و كلان (انتقال فرهنگی) با یكدیگر مبادله می‌كنند، و این تبادل پایهٔ شكل‌گیری تمدن اجتماعی و فرهنگی یک ملت یا جامعه می‌شود. چنین مبنایی بر نقش یادگیری زبان به صورت یک امر اجتماعی و فرهنگی در جامعه تأكید می‌كند.

#### 1. 2. 2 زبان و ارتباط اجتماعی

در مطالعات اجتماعی و فرهنگی زبان ابزار برقراری ارتباط اجتماعی است. در واقع، زبان از نیازهای مهم تمام جوامع انسانی است كه از طریق آن اعضای جامعه می‌توانند به صورت اجتناب‌ناپذیر با یكدیگر رابطه و تعامل برقرار کنند تا از این طریق نیازهای یكدیگر را رفع كنند. «چنین مهارتی از مهم‌ترین ویژگی‌های انسان‌هاست. زبان از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین دستاوردهای انسانی است. زبان برای بیان همه‌چیز، از نیازهای جسمانی گرفته تا آرزوهای روحی، به كار می‌رود. زبان به انسان‌ها اجازه می‌دهد فرهنگ را بیافرینند، تجربه‌ها را انباشت كنند و شیوه‌های رفتاری یكسان را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند.» (قنادان و همکاران، 1375: 97) زبان از عناصر فرهنگی مشترک میان افراد یک جامعه است كه نوعی نماد ارتباطی است. در واقع، جذب عناصر فرهنگی از طریق زبان و سایر نمادهای ارتباطی صورت می‌گیرد. زبان اصلی‌ترین وسیله‌ای است كه انسان‌ها در اختیار دارند و در جامعه برای برقراری ارتباط از آن استفاده می‌كنند؛ بنابراین زبان در حكم نظامی است كه بیان گفتار مشخص در اجتماع معینی از انسان‌ها را امكان‌پذیر می‌سازد. زبان مستقیماً قابل‌رؤیت نیست، بلكه دارای ویژگی‌‌های كلامی است كه بر آن تقدم دارد. چنین ارتباط نمادی و اجتماعی می‌تواند گذشته، حال و آیندهٔ انسان را به یكدیگر ربط دهد و باعث انباشت دانش و اشاعه و انتقال دانش از گذشته به حال و از حال به آینده شود. چنین اشاعه و انتقالی با زبان مكتوب و شفاهی امكان‌پذیر است.

خصلت گفتاری و نوشتاری‌بودن زبان می‌تواند امكانات تازه‌ای برای انباشت فرهنگی ایجاد كند و شرایط رشد و توسعهٔ اجتماعی و فرهنگی یک جامعه را سرعت بخشد. بر این اساس، «ارتباط نمادی آدمیان به سه شیوه صورت می‌گیرد: شیوهٔ نخست زبان گفتاری است كه عبارت است از الگوهای صوتی و معانی پیوسته به آن است. زبان گفتاری آموزش ارتباطات را آسان‌تر می‌كند. دومین شیوهٔ ارتباط زبان نوشتاری است كه عبارت است از ثبت تصویر گفتار. زبان نوشتاری آموزش حفظ میراث فرهنگی را تحصیل می‌كند. سومین روش زبان جسمانی است كه از ادب عامیانه گرفته شده و به معنای برقراری ارتباط با حركات دست و صورت و به طور كلی با ایماواشاره است.» (کوئن، 1382: 60) زبان‌شناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان اعتقاد دارند كه «زبان محاوره‌ای كه مجموعه‌ای از اصوات را به كار می‌گیرد تا بتواند نمادهای بسیار متنوعی را تركیب كند عبارت‌ است از كلمات زبان به صورت نوشته‌شده و وقتی نوشته به چاپ رسد، در اندازهٔ زیاد نشر می‌یابد. زبان می‌تواند اشكال دیگری به خود بگیرد مثل علایم تلگراف و یا رادیویی كه در سواحل برقرار است و برای آن است كه به كشتی‌ها اطلاعاتی بدهند.» (گی روشه، 1370: 98)

#### 1. 2. 3 زبان و خلاقیت

چنین ویژگی زبان انسانی می‌تواند با تنوعی از معانی و آفرینشی همراه باشد. این تمایزات و تفكیک‌ها بر سه محور استوار است: 1. اصل قراردادی‌بودن زبان. به این صورت كه تنها با نوعی قرارداد در معانی واژگان می‌توان به گسترهٔ بی‌پایان مفاهیم فرهنگی مورد استفادهٔ انسان‌ها دست یافت. 2. زبان انسانی كه خلاقیت و آفرینندگی آن نشان می‌دهد تركیب اصوات و تركیب معانی در قالب ساخت‌های زبانی امكان بی‌پایانی برای ایجاد معانی به وجود می‌آورند كه خود را به صورت روشن در آفرینش‌های ادبی نشان می‌دهد. اگر این قابلیت بالفعل‌درآمده در فرایند اجتماعی‌شدن و فرهنگ‌سازی قرار بگیرد، می‌توان به دوران بزرگ خلاقیت ادبی دست یافت. 3. قابلیت جابه‌جایی زبان در زمان و مكان در میان واقعیت و خیال. ساخت‌های زبانی به انسان امكان می‌دهند تا گذشته و حال و آینده را تصور كند، شرایط واقعی و شرایط خیالی را در ذهن به وجود آورد و تمام زمینه‌ها و عناصری را كه مایل باشد در همهٔ زمان‌ها و مکان‌ها با یكدیگر تركیب كند. (ریویر، 1379: 262).

#### 1. 2. **4** زبان انسانی

زبان انسانی از نظر اجتماعی بازگوكنندهٔ یک‌سری از نمادهای كرداری یا رفتاری است كه در واقع زبان از طریق لهجه‌ها، گویش‌ها، گونه‌های مختلف كلمه در یک جامعه و حتی میان جوامع متفاوت نمادهای رفتاری مشابه و متفاوتی را ایجاد می‌كند. این ابزار اجتماعی را می‌توان در جهت كنترل رفتار خود و دیگران به كارببرد و برحسب شرایط زمانی و مكانی مفاهیم احساسات و مقاصد اصلی خود را بیان كند كه این مسئله ناشی از اختیاری‌بودن و آزاد‌بودن پدیدهٔ زبان انسانی است.

زبان انسان در حكم یک نماد رفتاری و كرداری می‌تواند احساسات و مقاصد خود را با كنار هم قراردادن كلمات به صورت منطقی و منظم بیان كند و مفاهیم خاص را انتقال دهد. زبان انسانی به دنبال خلاقیت و دانش تجربه است كه انسان‌ها را قادر می‌سازد تا در قالب مقولات انتزاعی و ذهنی دستاوردهای خویش را پرورش دهند و همچنین تجربهٔ مهمی را ایجاد کند و دیگر تجربه‌ای را كم‌اهمیت جلوه دهد تا از این طریق بتواند دستاوردهای علمی را به یکی از علوم تبدیل کند و آن‌ها را ساخته‌وپرداختهٔ خویش كند. پس می‌توان گفت كه «دانش فرهنگی نه‌تنها ازطریق زبان انتقال می‌یابد، بلكه تا اندازه‌ای با زبان خلق می‌شود.» (بیتس، پلاگ، 1375: 48)

### 1. 3 تأثیر متقابل زبان و فرهنگ

فرهنگ و زبان به طور متقابل بر روی یكدیگر تأثیر می‌گذارند. فرهنگ از طریق آن چیزهایی كه برای اعضای یک جامعهٔ معین اهمیت دارد و ممكن است در فرهنگ جامعه نام مشخصی برایش وجود داشته باشد و یا تحت پوشش نام ملی و همگانی قرار بگیرد و بر زبان تأثیر بگذارد و حتی برای یک فرهنگ از نظر تطبیقی نام‌های زبانی بسیار اهمیت دارد (شربتیان، 1389). زبان هم بر فرهنگ تأثیر می‌گذارد بر این اساس كه شاید زبان بیشتر از آنكه منعكس‌كنندهٔ فراگرد‍‍‍‍‌های فرهنگی باشد، در واقع قالب‌دهندهٔ فراگردهاست. زبان فرهنگ یک جامعه را نیز منعكس می‌سازد، زیرا انسان‌ها در برابر محرک‌ها یا افراد واكنش نشان می‌دهند كه برایشان مهم است. اما به نظر برخی از صاحب‌نظران، این زبان است كه فرهنگ را قالب‌پذیرمی‌كند (همان).

### 1. **4** زبان و بازیابی هویت فرهنگی

زبان بر بازیابی هویت فرهنگی جامعه اثرگذار است كه این امر ناشی از خلاقیت نامحدود زبان و تنوع‌پذیری زبان انسانی است. از طریق گسترش گفتاری زبان، كه تحت‌تأثیر كلیت‌های تاریخی و اجتماعی جامعه است، تنوع واژگان در ساخت زبانی ایجاد می‌گردد و زبان را به صورت یک عامل زمینه‌ای و بنیادی برای رسیدن به اهداف اجتماعی درمی‌آورد؛ برای مثال می‌توان به بازسازی هویت فرهنگی یک جامعه از طریق زبان اشاره كرد. در چنین موقعیتی فرهنگ‌ها از طریق زبان از یكدیگر تأثیر می‌پذیرند و براساس تبادلی كه میان این فرهنگ‌ها صورت می گیرد زمینه‌های توسعه و تأثیر و تكامل فرهنگ‌ها از نظر زبانی بسط می‌یابد. هر فرهنگی از سایر فرهنگ‌ها براساس تعاملات متقابل كه دارد از نظر ساختاری و واژگانی تحول یافته است (همان). پس می‌توان گفت: «از مهم‌ترین راه‌های تحول زبانی همچنین تعاطی فرهنگی است. علاوه‌برآن تحول در دیگر نهادهای اجتماعی روابط بین نهادها و نحوهٔ برخورد در رابطهٔ انسان با طبیعت نیز به تحول منجر می‌شود. مثلاً توسعهٔ تقسیم كار اجتماعی همراه با توسعهٔ علوم و فنون به گسترش مفهومی زبان می‌انجامد؛ امری كه به‌خوبی در گسترش علوم در دوران اخیر نمایان است... اگر زبان یک ملت تغییر كند، نظام معنایی آن زبان، كه در مفاهیم و ساختار الفاظ و عبارات تجلی كرده است، نیز تغییر می‌کند. همان‌طور كه گفته شد یكی از عوامل اساسی تغییر در طول تاریخ برخورد، حشرونشر، روبه‌روشدن و تعاطی اقوام و ملت‌ها و زبان آن‌ها بوده است.» (گرانپایه، 1377: 114)

### 1. **5** زبان و هویت فرهنگی قوم

زبان با هویت فرهنگی یک قوم ارتباط مشترک دارد. هر قومی برای داشتن یک هویت فرهنگی خاص در یک جامعه یا ملت و یا سرزمین و منطقه‌ای خاص از یک‌سری عناصر انسانی مشترک برخوردار است. زبان یكی از عناصر مشترک میان آن اقوامی است كه به‌نوعی با «انسجام‌پذیری و یگانگی» همراه است؛ این عنصر مشترک در جنبش‌های سیاسی و ملی ظاهر می‌گردد.